

شامل نمایش تک قسمتی، مستند نمایشی، نمایش کوتاه، گزارش خبری، برنامه ترکیبی، مستند پرتژه مینی فیچر و روایتگری خواهد بود. نخستین جشنواره «نشان سلیمانی» به همت اداره کل هنرهای نمایشی رادیو و رادیو نمایش برگزار خواهد شد.

مقاومت، ژنرال و استکبار جهانی و رفیق خوشبخت ما برگزار می شود همچنان تا ۲۳ آبان ماه در دو بخش مردمی و حرفه ای منتظر دریافت آثار شرکت کنندگان است. بخش مردمی این جشنواره شامل ساختار آزاد، نمایش کوتاه، قطعه موسیقی، نمایشنامه نویسی، روایتگری و خاطره گویی است و بخش حرفه ای آن

مهلت دریافت آثار «نشان سلیمانی» تمدید شد

مهلت ارسال آثار به دبیرخانه نخستین جشنواره سردار مقاومت و رادیو با عنوان «نشان سلیمانی» تا ۲۳ آبان تمدید شد. به گزارش اداره کل هنرهای نمایشی رادیو، نخستین جشنواره سردار مقاومت و رادیو با عنوان «نشان سلیمانی» که با موضوعات شخصیت سردار دل ها، حاج قاسم، سپهد شهید و جبهه

زنوشت ۳ که این شب ها روی آنتن شبکه ۲ رفته است

سهراب و هاشم



فصل سوم سریال «از سرنوشت» / عکس ها: پیمان گرام و محمد رضا خان میرزایی

روح ... صدیقی، یکی از نویسندگان سریال از ریتم تند فصل سوم و احتمال ادامه داستان گفت

شاید فصل چهارم را هم ببینیم

حال پیش بینی نمی کردیم قرار است هر فصل در سه زمان جدا پخش شود و فکر می کردیم که پشت سرهم کل سریال روی آنتن می رود. الان هم راضی هستیم چون مخاطبانی که در دو سری قبل با ما همراه شدند، منتظر ماندند و با آن پیش آمدند. بازهم در مورد این فصل امیدوار هستیم که این انتظار برایشان در ادامه کار هم خوشحال کننده باشد.

با همه اینها یعنی بعد از پخش فصل اول و دوم و بیشتر شناختن شخصیت ها، دیگر سراغ فیلمنامه نرفتی تا با آن شناخت تغییراتی را در کار ایجاد کنید؟

زمانی که پخش شروع شد، برای آن که فصل های بعدی را جلو ببریم، یک سری بازنویسی ها و تغییرات اتفاق افتاد. چون دیدن فضای سریال به هر حال به ما کمک بیشتری می کرد. همان روزها هم من و آقای سلطانی سرمز تندبین می رفتیم و سکانس ها را می دیدیم؛ اتفاقی که قطعا تاثیر مثبتی روی ادامه روند نگارش و بازنویسی گذاشت. از سوی دیگر خود کارگردان ها هم وقتی جلوتر رفتند و شخصیت ها را دیدند، گاهی تصمیم می گرفتند در اجرا تغییراتی ایجاد کنند. بازخورد ها هم بخش دیگری بودند که روی این روند تاثیر گذاشتند. با این حال باید بگویم همه اینها خیلی کم اتفاق افتاد، چون همان طور که گفتم اکثر متن نوشته و آماده شده بود و تنها چند درصد از این تغییرات در بازنویسی ها اتفاق افتاد.

فصل چهارم از سرنوشت را هم می بینیم؟

ما طراحی هایی برای ادامه این مجموعه پیش بینی کردیم و آمادگی برای ساخت فصل ۴ را داریم اما قطعی شدن این ماجرا بستگی به تصمیم نهایی مدیران دارد و باید دید که در آینده چه می شود.

و ضربان کار هم بیشتر می شود. به همین دلیل چه از نظر درونی درام و چه فضای بیرونی که آن را در قصه می بینیم، چنین جریانی را شاهد خواهیم بود.

هر سریالی که پیش می رود و ادامه دار می شود، مسئولیت سنگین تری را برای جلب مخاطب به دوش می کشد. شما نگران چگونگی این ادامه نبودید؟

این مساله برای ما رخ نداد، به این دلیل که سه فصل را از ابتدا همزمان نوشته بودیم. زمانی که ما نگارش را شروع کردیم، این سریال مجموعه ای بود که در سه مقطع کودکی، نوجوانی و جوانی اتفاق می افتاد و برای این سه زمان کامل داستان را نوشتیم. همان زمان هم بلافاصله بعد از فصل دوم، تصویربرداری سری سوم هم شروع شد اما به دلیل ماجراهای تولید و... این فصل با فاصله زمانی ای که می بینید، روی آنت رفت. در واقع از ابتدا ما این سه فصل را تحویل دادیم و بعد ساخت سریال شروع شد.

این اتفاق خوبی است چون گاهی تازه بعد از پخش یک سریال تصمیم می گیرند که فصل های بعدی آن را بسازند. به همین دلیل این جریان به شما و انسجام کار هم کمک زیادی کرد، مگر نه؟

درست است، به هر حال چون ما یک قصه را پیش می بریم که دو شخصیت را از کودکی تا جوانی شان همراهی می کند، در این سه مقطعی که برای قصه گویی انتخاب کردیم، در واقع داریم یک داستان را به سرانجام می رسانیم. با این



علیرضا استادی، بازیگر شعبان که به جهان تبدیل شد

از پایان تلخ این شخصیت خبر داد

پایان شعبان، هندی نیست!

بازی علیرضا استادی در نقش شعبان را هم که حتما یادتان هست. مسئول بچه های کار که یکی از اولین بدمن های قصه و در درسر بزرگی برای سهراب و هاشم بود. ماجرابی که حالا با گذشت سال های سال همچنان ادامه دارد و باعث شده سایه کارهایش همچنان روی زندگی این دو رفیق افتاده باشد. او هم جزو شخصیت های جریانی است که در این سری تکلیفش معلوم می شود و داستانش به سرانجام می رسد. گپ و گفتی با او داشتیم که در ادامه مشروحش را می خوانید.

شعبان چه می شود؟ از آنجا که بیشتر از چندین ماه از تصویربرداری این سریال گذشته، دقیقا نمی توانم بگویم که چه رخ خواهد داد و باید در شب های آتی ببینید. اما می دانم که او به سزای اعمالش رسید و همه خصومت و عداوتی که با بچه ها داشت، به نحوی به سرانجام می رسد و جواب آنها را توسط همان بچه ها می گیرد. به همین دلیل می توانم بگویم پایان این نقش هندی و با تحول عجیب و غریبی همراه نیست و در کل خیلی از اتفاقات سریال هم به سمتی پیش رفته اند که به رخداد های روزمره جامعه ما هم نگاه می کنند.

فراز و فرود های تغییر کارگردان: یکی از مزیت های کار این بود که با توجه به احاطه دو عزیز به قصه، تمثیلی به صورت مشترک برای شخصیت شعبان و تبدیل ظاهری اش به جهان اتفاق افتاد. من هم سعی کردم باورها و آورده هایی که نسبت به این نقش داشتم را در هر فصل نزدیک به دیدگاه آقای خردمندان و بذرافشان کنم و خوشبختانه توانستم با راهنمایی این دو عزیز، این دو شخصیت را به عاقبت برسانیم. با همه اینها برای من این تعامل از یک حیث با ترس و دلهره همراه بود که آیا این شخصیت در هر کدام از این فصل ها الان به تفکرات این کارگردان و دیگری نزدیک هست؟ خوشبختانه می توانم بگویم تقریبا این نزدیکی ذهنی هم اتفاق افتاد. این هماهنگی هم سختی هایی داشت اما بعد با توجه به صحبت هایی که درباره آن شخصیت با هر دو کارگردان داشتیم، با جریانی روبه رو شدم که شاید در هرکاری برای من اتفاق نمی افتاد و هم برابرم جذاب بود و هم تا حدی ترسناک و نگران کننده.

حال و هوای زندگی کردن با شعبان و ادامه این قصه: نویسنده های محترم مجموعه برای همه شخصیت ها زحماتی کشیده بودند که با همراهی کارگردان ها با توجه به شناخت کامل شان از قصه، جای نگرانی چندانی برای ادامه باقی نگذاشته بودند. اما فقط از حیث آن که می خواستم باور پذیر بودن این شخصیت را به بهترین نحو ارائه دهم، با آن تا حدی درگیر شدم. گاهی شاید برای مردم شخصیتی دلچسب نباشد اما زمانی که همین تنفر را باور می کنند، من فکر می کنم که با همراهی دوستان این راه را درست آمدم. یعنی تعلیقی که برای مخاطب به دنبال میزان خیانت شعبان و جهان رخ می دهد، نشان دهنده آن است که در اجرای این نقش به بیراهه نرفتم.

دشواری های خبیث بودن: به هر حال ارائه قابل باور چنین شخصیتی با همه تنفری که باید در مخاطب ایجاد شود، برای من تا حدی ادیت روحی و ذهنی داشت اما می دانستم که در کل خروجی کار مطلوب خواهد بود و این عامل خودش انگیزه محسوب می شد. من در زمان تصویربرداری به آقای تحویلپان (تهیه کننده سریال) همیشه می گفتم که فقط جلوی دوربین با این کاراکتر همراه نیستم و مثل هر بازیگر دیگری روزهایی که کار هم ندارم، همچنان درگیر آن کنش و واکنش های شعبان و جهان بودم و مدام آنها را بررسی می کردم تا به بهترین و واقعی ترین شکلی که این شخصیت ها باید داشته باشند، برسم. جریانی که نزدیک به دو سال ادامه داشت و تا مدت ها همراه من بود. به همین خاطر واقعا سعی کردم تا به بهترین نحو از عهده اجرای آن برپیام. امیدوار هستم که بینندگان هم در این سری از تماشا ی مجموعه لذت ببرند و ما را با این توجه ها حمایت کنند.



گفت و گو با حبیب دهقان نسب

درباره از سرنوشت ۳

گره ها باز می شود



حبیب دهقان نسب، بازیگر نقش نگهدار: شخصیت نگهدار در هر سه فصل سریال از سرنوشت حضور دارد و مخاطب او را از فصل اول دیده است، اما بر خلاف فصل دوم که کم رنگ بود، در این فصل از سریال پررنگ تر می شود. در واقع مخاطب در این فصل از سریال بنا به ضرورت قصه بیشتر با این شخصیت آشنا می شود و متوجه گره های رفتاری و کاری او می شود. در واقع قرار است روابط و ارتباطات بیشتر مشخص شود و داستان شخصیت ها کامل تر شود. ممکن است در فصل های اول و دوم، کمی شخصیت نگهدار مبهم بوده، اما در این فصل ابهام از بین می رود. ضمن این که ممکن است شخصیت نگهدار از دیدگاه برخی ها منفی هست، اما من هرگز نقش های منفی را به گونه ای بازی نمی کنم که مخاطب از او متنفر شوند، زیرا معتقدم همه ما آدم ها نکات مثبت و منفی داریم و بستگی دارد در چه موقعیت و محیطی رشد کرده باشیم، اون وقت است که نسبت به این که با چه مسائلی برخورد کرده ایم، رفتارهایی از خودمان نشان می دهیم. نگهدار هم مستثنی از این موضوع نیست و به خاطر شرایط زندگی این طور شده است. همچنین فصل اول و سوم را به کارگردان و محمد رضا خردمندان و فصل دوم را با علیرضا بذرافشان کار کردم. ممکن است این سوال برای برخی ها شکل بگیرد که آیا کار با دو کارگردان تداخل نگاهی در بازی ایجاد می کند یا نه؟ باید بگویم که البته من خودم را حرفه ای نمی دانم، زیرا هنر آنقدر دامنه وسیعی دارد که هر چقدر هم شنا کنیم به انتها نخواهیم رسید. اما معمولا بازیگران حرفه ای و با تجربه برایشان متن و شخصیت مهم است و کار با دو یا سه کارگردان تفاوت ایجاد نمی کند. ممکن است اختلاف سلیقه وجود داشته باشد، اما آنقدری نبود در سریال از سرنوشت که برای من شخضا تناقض ایجاد کند. ضمن این که هر دو کارگردان برای یک دفتر کار می کردند و به همین دلیل هماهنگی لازم را با هم داشتند. از سوی دیگر من هم از آن دست بازیگران نیستم که در کار کارگردان دخالت کنم. مگر آنکه در صحنه ای بازیگر جوانی نظر من را درباره بازی اش بخواهد یا سوالی داشته باشد، من هم راهنمایی اش می کنم و اگر نظر و پیشنهادی درباره نقش ام داشته باشم، حتما با کارگردان صحبت می کنم و در صورت موافقت آن را اجرا خواهیم کرد. در فصل سوم هم صحنه های زیادی با هاشم داشتم و هر زمان اواز من می پرسید عمو بازی ام چطور بود؟ به او می گفتم، در مجموع در چهار چوب ها کم می کنم یا راهنمایی می دهم.